

مقاله پژوهشی

ارزیابی مؤلفه‌های قابلیت‌های محیط در طراحی داخلی فضاهای عمومی با تکیه بر مبانی رفتار اجتماعی (مطالعه موردی: بررسی عمارت ارثیه قزوین)

فاطمه حسنعلی^۱، حافظه پوردهقان^{۲*}

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

Fatemeeha1994@gmail.com

۲- استادیار، گروه معماری و شهرسازی، دانشکده معماری واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

Hafezeh.Dehghan@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۴/۳/۱۶]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۳/۱۲/۱۴]

چکیده

امروزه فضاهای عمومی و خدماتی مانند کافه‌ها و رستوران‌ها، صرف‌نظر از نقش عملکردی، به‌عنوان بستری اجتماعی برای بروز تعاملات و کنش‌های میان‌فردی ایفای نقش می‌کنند. کیفیت طراحی داخلی این فضاها می‌تواند به‌طور مستقیم بر نحوه ادراک کاربران، حضورپذیری، مشارکت و رفتار اجتماعی آنان تأثیرگذار باشد. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مؤلفه‌های قابلیت‌های محیطی مؤثر بر طراحی داخلی فضاهای عمومی نیمه‌خصوصی با تأکید بر مبانی رفتار اجتماعی انجام شده است. مطالعه موردی این تحقیق، عمارت تاریخی «ارثیه» در شهر قزوین است که امروزه به‌عنوان کافه و رستوران مورد استفاده قرار دارد. روش تحقیق به‌صورت ترکیبی (کمی-کیفی) بوده و گردآوری داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهدات میدانی صورت گرفته است. تحلیل داده‌ها بر اساس شاخص‌های استخراج‌شده از مبانی نظری در زمینه کیفیت محیطی، ادراک فضایی و الگوهای رفتاری انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های فضایی همچون خوانایی، تنوع عملکردی، انعطاف‌پذیری در چیدمان، مقیاس انسانی و ادراک بصری، نقش مهمی در افزایش تعاملات اجتماعی، احساس تعلق و حضور فعال کاربران دارند. در این میان، فضاهایی که از ساختار فضایی مناسب، مرزبندی واضح و قابلیت استفاده چندمنظوره برخوردار بودند، بیشترین کارکرد اجتماعی را نشان دادند. نتایج پژوهش بیانگر آن است که طراحی داخلی فضاهای عمومی باید مبتنی بر درک عمیق از نیازهای رفتاری، اجتماعی و روان‌شناختی کاربران باشد و استفاده از الگوهای رفتاری و تحلیل قابلیت‌های محیطی می‌تواند در ارتقاء کیفیت تجربه کاربران و توسعه سرمایه اجتماعی نقش کلیدی ایفا کند.

واژگان کلیدی: فضاهای عمومی، طراحی داخلی، رفتار اجتماعی، قابلیت‌های محیطی، مشارکت اجتماعی.

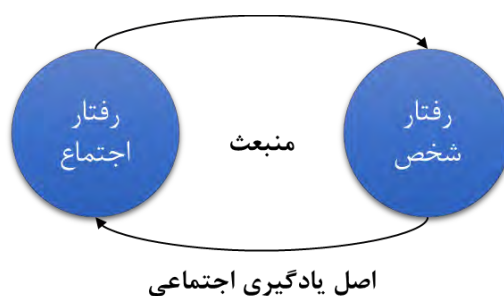
۱- مقدمه

فضاهای عمومی به‌عنوان عرصه‌هایی برای حضور و بروز رفتارهای متنوع شهروندان شناخته می‌شوند. رابطه میان فضا و رفتار، یا به عبارتی تعامل میان محیط و اجتماع، هم در حوزه علوم اجتماعی ازجمله زیباشناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مدیریت و هم در علوم محیطی مانند معماری، جغرافیا و شهرسازی، منجر به شکل‌گیری الگوهای نظری متعددی شده است که به‌عنوان راهنمایی کارآمد در تدوین مدل‌های مبتنی بر فضا برای مدیریت رفتارهای شهری به کار گرفته می‌شوند. جوهره این نظریه‌ها بر این فرض استوار است که فضا به مثابه پدیده‌ای اجتماعی بازتولید می‌شود؛ به‌گونه‌ای که فضای شهری به‌طور کلی و سیمای شهری به‌طور خاص، نمود رفتاری جامعه را به نمایش می‌گذارند. در سال‌های اخیر، توجه به نیازها و انگیزه‌های انسانی در شکل‌دهی فضاهای شهری، به‌ویژه در چند دهه گذشته، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. در این زمینه، گروهی از پژوهشگران با تأکید بر وجود الگوهای رفتاری مشخص در این فضاها، ضرورت شناسایی و کاربردی نمودن این رفتارها و فعالیت‌ها در فرایند طراحی و ساماندهی فضاهای شهری را مورد توجه قرار داده‌اند.

از آنجاکه مبنای نظری این پژوهش بر جنبش رفتارگرایی استوار است، باید گفت که ریشه‌های علمی این جنبش در حوزه «روان‌شناسی محیطی» به سال‌های حدود ۱۸۸۰ بازمی‌گردد؛ دوره‌ای که درک انسان از فضا و نظریه گشتالت به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت. البته، مفاهیم مرتبط با ادراک و تصور انسان از فضا پیش از آن نیز موضوع بحث بوده است. با ظهور نهضت رفتارگرایی در طراحی محیطی که توسط بسیاری به‌عنوان پاسخی علمی به نیاز بازسازی کیفیت محیط زیستی انسان شناخته می‌شود، گروهی از معماران به ضرورت ایجاد یک زبان مشترک برای طراحی محیطی پی بردند و در تلاش برای توسعه دانشی نوین جهت خلق محیط‌هایی بودند که بتواند بهتر از پیش با نیازهای انسانی سازگار باشد (مطلبی، ۱۳۸۰).

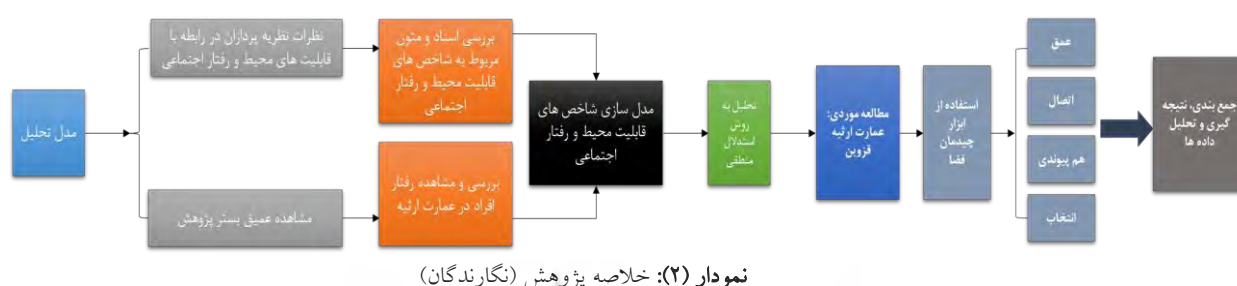
هدف اصلی پژوهش حاضر، تحلیل الگوهای رفتاری موجود در عمارت ارثیه در شهر قزوین به‌عنوان یک فضای عمومی سرزنده و موفق (کافه-رستوران) است. در این مسیر، تلاش شده با اتکا به مبانی نظری و عملی کلاسیک حوزه علوم رفتاری، عوامل مؤثر بر دستیابی به کیفیت مطلوب در فضاهای شهری معاصر، به‌ویژه با تمرکز بر پیچیدگی‌های میان مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بازشناسی و درک شوند. بر این اساس، در گام نخست، الگوهای رفتاری موجود در این فضا شناسایی و طبقه‌بندی می‌شوند و در مراحل بعدی، با تحلیل عوامل مؤثر بر این الگوهای رفتاری چه مثبت و چه منفی سعی می‌شود تا آن‌ها به‌گونه‌ای تسهیل، تقویت یا کاهش یابند که متناسب با شرایط و موقعیت مکانی باشند.

پرسش اصلی این پژوهش، نحوه ارتباط میان ابعاد مختلف فضای شهری با شکل‌گیری الگوهای رفتاری است. همچنین، پرسش‌های فرعی مطرح شده شامل این موارد است که ابعاد، معیارها و شاخص‌های مختلف فضای شهری که بر الگوهای رفتاری تأثیرگذارند، چه مواردی هستند؟ و این ابعاد و شاخص‌ها چه تأثیری بر ظهور رفتارهای گوناگون شهروندان در فضای شهری، به‌طور مشخص در میدان تجریش، دارند؟ لازم به ذکر است که فرضیه اصلی پژوهش بر این مبنا است که ابعاد و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده فضای شهری، عامل اصلی شکل‌دهنده الگوهای رفتاری هستند.



نمودار (۱): سه بازوی اصلی پژوهش (نگارندگان)

فضای شهری، علاوه بر دارا بودن ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، به‌عنوان بستر فعالیت‌های شهری و الزامات مرتبط با آن نیز شناخته می‌شود (Aydin & Ter, 2008). مطابق نظر گهل^۱ (۱۹۸۷)، فعالیت‌های مردم در فضاهای عمومی را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد که هر یک نیازمند ویژگی‌های خاصی در محیط کالبدی هستند؛ این دسته‌ها عبارت‌اند از فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های انتخابی و فعالیت‌های اجتماعی. به‌طور کلی، فعالیت‌ها در سه طیف مختلف قرار می‌گیرند: نخست، فعالیت‌های ضروری که ماهیتی نسبتاً اجباری دارند و تحت هر شرایطی رخ می‌دهند و کمترین تأثیرپذیری را از محیط اطراف دارند، مانند رفتن به مدرسه، محل کار، خرید و سایر فعالیت‌های عمومی روزمره. دوم، فعالیت‌های انتخابی که تنها زمانی صورت می‌پذیرند که شرایط فراهم باشد (بحرینی، ۱۳۸۷).



۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی به‌عنوان بسترهای کلیدی تعاملات اجتماعی و تجربه‌های شهری در پژوهش‌های معاصر جایگاه ویژه‌ای یافته‌اند. تحقیقات جدید بر اهمیت طراحی فضاهای عمومی با هدف تقویت سرمایه اجتماعی، مشارکت شهروندی و بهبود کیفیت زندگی شهری تأکید می‌کنند (Sakip et al., 2021; Kim & Kaplan, 2019). سرمایه اجتماعی که شامل اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و همکاری میان افراد است، ارتباط تنگاتنگی با کیفیت فضاهای شهری دارد و محیط‌های طراحی شده به‌درستی می‌توانند این سرمایه را افزایش دهند (Putnam, 2020; Field, 2019). مطالعات روان‌شناسی محیطی نیز در سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری داشته‌اند و به بررسی تأثیر ویژگی‌های کالبدی و روانی محیط بر رفتار و تعاملات انسانی پرداخته‌اند (Evans, 2022; Kytta et al., 2020). مؤلفه‌هایی مانند قابلیت دسترسی، امنیت، کیفیت بصری و وجود مکان‌های نشستن و تجمع، از عوامل کلیدی در شکل‌دهی به رفتارهای اجتماعی در فضاهای عمومی معرفی شده‌اند (Gehl, 2018; Montgomery, 2020). در زمینه طراحی داخلی فضاهای خدماتی مانند کافه‌ها و رستوران‌ها نیز، توجه به ساختارهای فضایی و مبانی رفتار اجتماعی باعث افزایش رضایت کاربران و تسهیل تعاملات شده است (Liu et al., 2021).

در ادبیات فارسی نیز، مطالعات اخیر بر اهمیت تطبیق طراحی فضاهای عمومی با فرهنگ بومی و نیازهای روانی کاربران تأکید دارند (نصیری، ۱۳۹۹). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که طراحی محیطی مبتنی بر مبانی رفتار اجتماعی می‌تواند به ارتقای حس تعلق و مشارکت اجتماعی در بافت‌های مسکونی کمک کند (زرگر، ۱۳۹۸). تحلیل‌های موردی مانند بررسی عمارت ارثیه قزوین، نمونه‌هایی از تأثیر مؤلفه‌های فضایی و ادراکی بر کنشگری و مشارکت کاربران در فضاهای عمومی ارائه می‌دهد. رویکردهای نوین طراحی شهری با تمرکز بر پایداری اجتماعی و طراحی انسان‌محور، ضرورت تلفیق دانش‌های رفتاری، فرهنگی و محیطی را برجسته کرده‌اند (Beatley, 2020; Salama, 2019). طراحی فضاهای عمومی که ضمن پاسخگویی به نیازهای کالبدی، ظرفیت ارتقای سرمایه اجتماعی و مشارکت جمعی را داشته باشند، به‌عنوان یکی از اولویت‌های مهم معماری معاصر مطرح است.

1 Gehl

با توجه به تحولات نوین و اهمیت بالای فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی در بهبود تعاملات اجتماعی و کیفیت زندگی شهری، مطالعه و تحلیل دقیق مؤلفه‌های قابلیت‌های محیطی در طراحی داخلی این فضاها با رویکردی رفتاری، به‌منظور ارتقاء کیفیت تعاملات و مشارکت کاربران، از ضروریات پژوهش‌های معماری و شهرسازی امروز محسوب می‌شود.

جدول (۱): خلاصه پیشینه پژوهش (نگارندگان)

نظریه پرداز	سال	نظریه	مؤلفه‌های کلیدی
کوپن لپچ	۱۹۶۰	سیمای شهر	گره-لبه-نشانه-مسیر-حوزه-عناصر ۵ گانه سازنده سیمای شهر
اروین گافمن	۱۹۶۷	مطالعه رفتار در فضای عمومی	نزدیک شدن انسان‌ها به یکدیگر و تقویت تمایلات اجتماعی
راجر بارکر	۱۹۶۸	قرارگاه رفتاری	فعالیت مستمر، قلمرو محیط، ساختار محیط مکان-رفتار، بازه زمانی
آیرون آلمن	۱۹۷۵	محیط و رفتار اجتماعی	خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام
آموس راپاپورت	۱۹۷۷	جنبه‌های انسان، فرم شهر	موقعیت غیرانفعالی انسان در مقابل محیط جهت‌یابی عابران پیاده در محیط‌های شهری فرهنگ، ادراک، شناخت، بسترهای رفتاری و محیط ساخته شده
ویلیام وایت	۱۹۸۰	زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک	تأکید بر نقش اجتماعی فضاهای شهری
هابرماس	۱۹۸۰	کنش ابزاری و ارتباطی	ارتباط انسان با محیط
رومدی پاسینی	۱۹۸۴	مسیریابی در معماری	جهت‌یابی مردم در فضای شهری و توجه به نیازهای ویژه کاربران
التمنت، هولویل و مور	۱۹۸۵	ارزیابی سیمای شهر	بررسی تأثیرات روانی - ذهنی فضاهای شهر بر مردم
یان گهل	۱۹۸۷	زندگی در میان ساختمان‌ها	سه گروه فعالیت در فضای شهری (ضروری، انتخابی و اجتماعی)
جان لنگ	۱۹۸۷	آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)	دریافت آدمی از فضا، تصورات مردم از محیط به‌عنوان نوعی طرح‌واره ذهنی
حسین بحرینی	۱۳۷۵	تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان	ارائه ضوابط مناسب طراحی با تحلیل کمی و کیفی فضای خیابان و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان به‌ویژه عابران پیاده
بهناز امین زاده و همکاران	۱۳۸۱	طراحی و الگوهای رفتاری پیشنهادی برای بهسازی پارک‌های	سازگاری و انعطاف‌پذیری مکان رفتاری از طریق مطالعه سلسله مراتب نیازهای انسان
آذین مستوفی و همکارانش	۱۳۹۵	تأثیر کاربری زمین بر رفتار عابران در خیابان‌های شهری	سطح معناداری-ضریب همبستگی-فعالیت‌های روزانه

ضرورت پرداختن به موضوع تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی به‌عنوان بسترهای کلیدی تعاملات اجتماعی و ارتقاء کیفیت زندگی شهری، نیازمند طراحی و مدیریت دقیق با تأکید بر قابلیت‌های محیطی و مبانی رفتار اجتماعی هستند. در بسیاری از شهرهای ایران، ضعف در این زمینه موجب کاهش کیفیت تعاملات و نارضایتی کاربران شده است. این پژوهش با

تمرکز بر عمارت ارثیه قزوین به عنوان نمونه‌ای شاخص، ضمن تحلیل جامع مؤلفه‌های محیطی و رفتاری، به بررسی چگونگی بهبود کیفیت تعاملات و مشارکت کاربران می‌پردازد. تفاوت اصلی این مطالعه با پژوهش‌های پیشین در رویکرد تلفیقی و ترکیب روش‌های کمی و کیفی است که ابعاد کالبدی و رفتاری را هم‌زمان مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین، توجه ویژه به طراحی داخلی فضاهای خدماتی و نیمه‌عمومی در قالب یک مدل رفتاری، وجه تمایز این تحقیق را نسبت به مطالعات گذشته شکل می‌دهد؛ بنابراین، این تحقیق می‌تواند چارچوبی علمی و کاربردی برای ارتقاء مشارکت اجتماعی در فضاهای شهری ارائه نماید.

۲-۱- کیفیت محیطی

«کیفیت محیط» را می‌توان یکی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های دانش طراحی شهری دانست. این امر به گونه‌ای است که بسیاری از نظریه‌پردازان «ارتقای کیفیت محیط» را مهم‌ترین وظیفه‌ی فعالیت طراحی شهری می‌دانند (پاکزاد، ۱۳۸۵). در متون نظری برنامه‌ریزی و طراحی شهری، تعریف‌های متعددی از مفهوم کیفیت محیط وجود دارد. این برداشت‌های گوناگون، بر اساس زمینه‌ی فکری صاحب‌نظران یا نحوه‌ی انتخاب شاخص‌ها از سوی آن‌ها شکل گرفته‌اند؛ بنابراین فقدان تعریفی جامع، دقیق و مورد توافق صاحب‌نظران از مفهوم کیفیت محیط، یا نحوه انتخاب متفاوت شاخص‌ها از سوی آن‌ها در مبانی نظری طراحی شهری خودنمایی می‌کند. این امر می‌تواند در نتیجه‌ی ارتباط یا هم‌پوشانی این مفهوم با مفاهیم مبهم و پیچیده‌ی دیگر همچون کیفیت زندگی، قابلیت زندگی و پایداری باشد (Van Kamp, 2003). در جدول (۲) برخی مفاهیم مرتبط با کیفیت محیط بررسی شده است.

جدول (۲): تعریف کیفیت محیطی از دیدگاه محققان و مجامع بین‌المللی مختلف، منبع: (Van Kamp, 2003)

نظریه‌پرداز	مؤلفه‌های کلیدی
Lansing and Marans (۱۹۶۹)	یک محیط با کیفیت بالا، حسی از رفاه و رضایت را برای افراد از طریق شاخص‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی و یا نمادین باشد را به همراه دارد.
Porteous (۱۹۷۱)	کیفیت محیطی موضوع پیچیده‌ای است که در بر دارنده ادراک انتزاعی، طرز تلقی و ارزش‌هایی است که در بین افراد و گروه‌ها متفاوت است.
RMB (۱۹۹۶)	کیفیت محیطی ناشی از کیفیت عناصر تشکیل‌دهنده یک منطقه اما چیزی بیشتر از مجموع عناصر است، کیفیت محیطی ادراک مکان به‌طور تمام و کمال است. عناصر تشکیل‌دهنده (طبیعت، فضای باز، زیرساخت‌ها، محیط ساخته شده، امکانات و منابع محیط طبیعی) هر کدام دارای ویژگی‌های خاص خود و کیفیت نسبی هستند.
RIVM (۲۰۰۲): Workshop Livability ۲۰۰۲	کیفیت محیطی می‌تواند به عنوان بخش اصلی مفهوم وسیع‌تر «کیفیت زندگی» همانند کیفیت‌های اصلی مانند سلامتی و امنیت در ترکیب با جنبه‌های همچون راحتی و جذابیت تعریف شود.

۲-۲- الگوهای رفتاری

فضاهای عمومی در عین دارا بودن ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت‌های شهری و ضرورت‌های مترتب بر آن نیز محسوب می‌گردد (Aydin and Ter, 2008). مطابق با نظر گهل (۱۹۸۷) فعالیت‌های مردم را در فضاهای عمومی می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد که هر یک به ویژگی‌های متفاوتی در محیط کالبدی نیاز دارند؛ فعالیت‌های ضروری، فعالیت‌های انتخابی و فعالیت‌های اجتماعی. در حالت کلی فعالیت‌ها سه طیف متفاوت را شامل می‌شوند: دسته‌ی نخست، فعالیت‌های ضروری را شامل می‌شوند که حالتی کمابیش اجباری دارند و تحت هر شرایطی اتفاق می‌افتند و وقوع آن‌ها کمترین تأثیرپذیری را از محیط اطراف دارد. فعالیت‌هایی مانند رفتن به مدرسه یا سر کار، خرید و سایر فعالیت‌های عمومی و روزمره در این دسته جای می‌گیرند. دسته‌ی دوم از

فعالیت‌هایی که در فضای شهری انجام می‌شوند را فعالیت‌های گزینشی و انتخابی تشکیل می‌دهند، که تنها زمانی صورت می‌پذیرند که تمایل به انجام آن‌ها وجود داشته باشد و زمان و مکان نیز فراهم آورنده‌ی زمینه مساعد باشند. فعالیت‌هایی چون پیاده‌روی، نشستن و استراحت در مکان‌های جذاب در این دسته قرار می‌گیرند. دسته‌ی سوم، فعالیت‌های اجتماعی هستند که بسته به ویژگی‌های فضای شهری طیف گسترده‌ای از روابط متقابل افراد را دربر می‌گیرند. شرایط خاص فضاها برای ایستادن، نشستن، خوردن، بازی کردن و ... هستند که این فعالیت‌ها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. هنگامی که محیط از کیفیت پایینی برخوردار باشد، تنها فعالیت‌های ضروری انجام می‌پذیرند، اما در محیط دارای کیفیت بالا، نه تنها فعالیت‌های ضروری انجام می‌شوند بلکه به دلیل وجود شرایط بهتر تمایل برای صرف زمان بیشتری برای این فعالیت‌ها نیز افزایش می‌یابد (Gehl, 1987). در جدول (۳) رابطه‌ی میان کیفیت فضاهای بیرونی و میزان وقوع فعالیت‌های بیرون نشان داده شده است.

جدول (۳): اندازه فعالیت‌ها در فضاهای مساعد و نامساعد شهری. منبع: (Gehl, 1987)

نوع فعالیت	شرایط نامساعد	شرایط مساعد
فعالیت‌های ضروری	●	●
فعالیت‌های انتخابی	●	●●
فعالیت‌های اجتماعی	●	●●●

۲-۱ الگوهای رفتاری در محیط

رفتار فضایی انسان، در دیدگاه طراحی شهری، مفهومی است که رابطه‌ی میان محیط ساخته شده و انسان‌های ساکن در آن را توصیف می‌کند. رفتار فضایی «خوب» شاخص طراحی شهری موفق است، درحالی‌که رفتار فضایی «بد» می‌تواند شاخص ضایع شدن منابع و دلیل ناراضی‌ت ساکنان باشد (Wei et al, 2009). از آنجایی که روانشناسی محیط جایگاه مهمی در مطالعه‌ی تعامل میان انسان و محیط دارد، مخالف روش‌هایی است که محیط یا افراد را به صورت موجودیت جداگانه بررسی می‌کند. ازاین‌رو این علم معتقد است، برای درک مشکلات محیطی باید به وابستگی ارتباط توجه کرد (Ekici, 2004). در واقع محیط ظرف و انسان به صورت مظروف مطرح است. انسان‌ها به عنوان مظروف در فضا در برخورد با محیط، رفتارهای مختلفی نشان می‌دهند؛ رفتارهایی که می‌توان آن‌ها را بر اساس رویکردهای مختلف دسته‌بندی کرد. بر این اساس، در نوع و نحوه‌ی انجام رفتار دو عامل بسیار مهم، تأثیرگذار هستند: محیط (مطالعاتی که از آن به دست آورده‌ایم) و فرد (با تمام ویژگی‌های خود). در عمل پایه و اساس رفتار ما، ویژگی‌های محیط و خصوصیات فردی به صورت توأم است؛ بنابراین رفتار ما برآیندی از نیازها، انگیزه‌ها، قابلیت محیط، ادراک، تصویر ذهنی و درنهایت معنی است که از محیط برای خودساخته‌ایم (تصویر ۱). ازاین‌رو واضح است که فعالیت‌های ما تحت تأثیر این عوامل (محیطی و فردی) می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد (پاکزاد، ۱۳۹۷). رفتار محصول محیط و تعامل این دو با یکدیگر است. عوامل فیزیکی گوناگون از جمله سروصدا، آب‌وهوا و فضاهای محصور شده به طور مداوم، در انسان و حرکاتی که از وی سر می‌زند، تأثیر می‌گذارند. این حرکات و واکنش‌ها رفتار نامیده می‌شوند (آلتن، ۱۳۸۲). آنچه در بررسی تعریف رفتار مهم است، شامل عوامل فیزیکی (در فضا وجود دارد) و غیرفیزیکی (در خصوصیات افراد وجود دارد) است. در این راستا عوامل فیزیکی با بررسی مفهوم و نظریات فضای عمومی و عوامل انسانی با بررسی نظریات رفتار و الگوهای رفتاری به دست می‌آیند؛ بنابراین باید رفتار را شناخت تا بتوان به عوامل محیطی و فردی مؤثر در رفتار دست یافت.

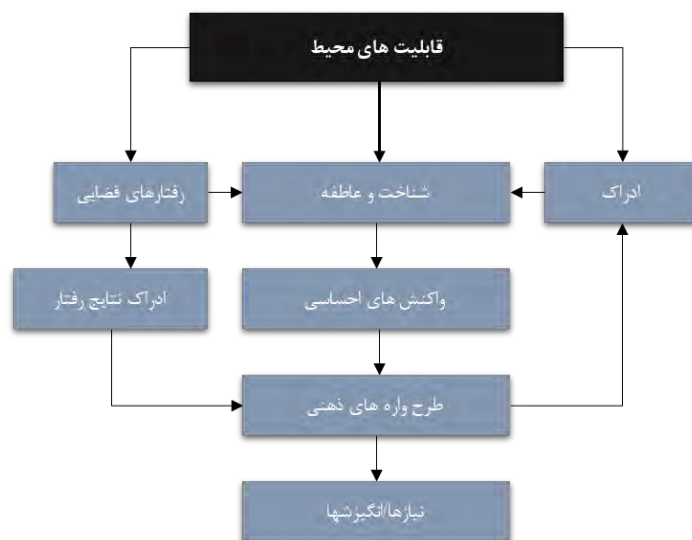


نمودار (۳): عوامل تشکیل‌دهنده رفتار فرد در محیط (گیبسون، ۱۳۹۲)

۲-۲-۲ انواع رفتار در محیط

رفتار فضایی: رفتار فضایی شامل رفتارهایی هستند که در مکان و متأثر از محیط پیرامون انجام می‌شوند. در واقع، در بررسی رفتارهای فضایی نه تنها رفتار بین انسان‌ها و رفتار بین انسان و محیط، بلکه تأثیرات متقابل انسان و محیط نیز مورد نظر قرار می‌گیرد. چگونگی استفاده ما از محیط فیزیکی اطرافمان در برقراری روابط اجتماعی در حوزه‌ی بررسی رفتار اجتماعی انسان در پیوند با محیط فیزیکی مورد بررسی قرار می‌گیرد (Wei et al, 2009).

رفتار غیر فضایی: آن دسته از رفتارهایی هستند که در ارتباط بین انسان‌ها به وجود می‌آیند و فارغ از بعد مکانی و شرایط پیرامون مورد بررسی قرار می‌گیرند (پاکزاد، ۱۳۹۷). خیابان‌های شهری خیابان به عنوان یک فضای عمومی: فضاهای عمومی شهری به عنوان ضرورت و سرمایه‌ای اجتماعی برای تقویت یکپارچگی و همچنین ایجاد بستر مکانی کارکردهای اجتماعی، موجب تسهیل روابط و پالایش ساخت اجتماعی می‌شوند (حبیبی، ۱۳۷۹). ویژگی اصلی فضاهای عمومی این است که، زندگی جمعی، فرهنگ شهری و مباحث روزمره‌ی ما را بیان کرده و در ضمن بر آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد (فرانسیس تیبالدز، ۱۹۹۲)، عرصه‌ی عمومی را چنین می‌داند «تمام بخش‌های بافت شهری که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند. بدین ترتیب، خیابان‌ها، پارک‌ها و میدانی شهرک یا شهر، به ساختمان‌هایی که محصورشان می‌کنند و محدوده‌شان را مشخص می‌کنند، گسترش می‌یابد». در طول تاریخ فضاهای شهر در نقاط مختلف برای شهرنشینان به مثابه‌ی محل ملاقات عمل کرده است. مردم یکدیگر را ملاقات می‌کردند و شهر محل ملاقات بوده است (گل، ۱۳۹۲). فضاهایی که از نظر اجتماعی فعال بوده و امکان ارتباط چهره به چهره انسانی، گفت‌و شنود، گپ زدن، حس دیدن و دیده شدن را فراهم می‌کرده است. خیابان شهری تجلی‌گاه حیات مدنی شهر و محل وقوع رویدادها و وقایع و فعالیت‌های اجتماعی شهروندان در زندگی و حیات شهری است (خادمی و همکاران، ۱۳۸۹). جین جیکوبز روزنامه‌نگار و صاحب‌نظر برجسته‌ی مسائل شهری در کتاب مرگ و حیات شهرهای بزرگ آمریکایی بر نقش خیابان در فضاهای عمومی شهری و ایجاد تعاملات اجتماعی تأکید می‌نماید. به باور او آنچه از یک شهر بیشتر به ذهن می‌ماند فضاهای عمومی شهر به ویژه خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن می‌باشند. جیکوبز اشاره می‌کند که افزایش نشست و برخاست و امنیت پیاده‌رو تأثیر وارونه‌ای بر جدایی و تبعیض نژادی دارد (پاکزاد، ۱۳۹۷).



نمودار (۴): فرآیندهای بنیادین رفتار انسان (نگارندگان)

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر با ماهیت کاربردی و رویکرد ترکیبی، به دنبال تحلیل مؤلفه‌های قابلیت محیطی در طراحی داخلی فضاهای عمومی با تأکید بر مبانی رفتار اجتماعی است. روش تحقیق مبتنی بر ترکیب داده‌های کیفی و کمی است که به‌طور هم‌زمان از منابع نظری و داده‌های میدانی بهره می‌گیرد. در بخش نظری، از طریق مطالعه اسناد کتابخانه‌ای و مرور متون علمی داخلی و خارجی، مبانی نظری شامل نظریه‌های کیفیت محیط، الگوهای رفتاری، تعاملات اجتماعی و روان‌شناسی محیط استخراج گردیده و چارچوب مفهومی پژوهش تدوین شده است. در بخش میدانی، با استفاده از روش مشاهده مستقیم، رفتار کاربران در فضاهای مختلف عمارت ارثیه قزوین ثبت، تحلیل و مستندسازی شده است. ابزارهای گردآوری داده شامل چک‌لیست مشاهده رفتار، ثبت تصویری، نقشه‌برداری حرکتی و تحلیل کیفی فضا بوده است. تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی انجام گرفته و یافته‌ها در قالب تطبیق میان شاخص‌های نظری و مصادیق کالبدی و رفتاری فضای مورد مطالعه تبیین شده است. هدف از این رویکرد، استخراج رابطه میان کیفیت محیطی و میزان تعامل و مشارکت اجتماعی کاربران در فضاهای نیمه‌عمومی و ارائه پیشنهادهایی برای ارتقاء کیفیت طراحی داخلی با رویکرد انسان‌محور و رفتاری است.

۴- یافته‌ها

۴-۱- چارچوب نظری تحقیق

در این پژوهش، چارچوب نظری بر مبنای پیوند مفهومی میان کیفیت محیطی، الگوهای رفتاری و تعاملات اجتماعی در بستر فضاهای عمومی با رویکردی رفتاری تدوین شده است. بنیان مفهومی این چارچوب بر نظریه‌های روان‌شناسی محیطی، جامعه‌شناسی فضا و طراحی انسان‌محور استوار است. سه دیدگاه روان‌شناختی در تبیین رابطه انسان با محیط مورد توجه قرار گرفته‌اند: دیدگاه «تعیین‌کنندگی محیطی» که محیط را عامل قطعی در شکل‌گیری رفتار تلقی می‌کند، دیدگاه «امکان‌دهندگی محیطی» که معتقد است محیط مجموعه‌ای از قابلیت‌های بالقوه برای برخی رفتارها را فراهم می‌سازد و رفتار انسان حاصل انتخاب است (خطیبی، ۱۳۹۲) و در نهایت، دیدگاه «احتمال‌دهندگی محیطی» که محیط را زمینه‌ساز بروز رفتار در چارچوب محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و کالبدی می‌داند (عباس‌زادگان، ۱۳۸۳).

در کنار این نظریات، دیدگاه‌های مبتنی بر «قابلیت‌های محیطی» (affordances) مطرح شده از سوی گیسون و نیز نظریه «قرارگاه رفتاری» بارکر، نقش کلیدی در تحلیل روابط انسان و فضا دارند. بر اساس این نظریه‌ها، محیط‌های ساخته شده واجد کیفیت‌هایی هستند که می‌توانند امکان یا محدودیت بروز رفتارهای خاص را ایجاد کنند. بارکر معتقد است رفتار انسان در محیط‌های واقعی نه تنها محصول محرک‌های فردی، بلکه تابع ساختارهای کالبدی و اجتماعی فضاها نیز هست (Barker, 1968). آلتمن، ۱۳۸۲ این نظریه به تبیین پویایی فضا به عنوان یک «قرارگاه رفتاری» می‌پردازد که در آن، اجزای کالبدی و روان‌شناختی فضا دارای هم‌بستگی و ارتباط ساختاری‌اند (عباس‌زادگان، ۱۳۸۶).

مطالعات یان گهل نیز در تبیین دسته‌بندی فعالیت‌ها در فضاهای شهری به سه نوع ضروری، انتخابی و اجتماعی اهمیت دارد. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که ارتقاء کیفیت محیطی از طریق بهبود عناصر کالبدی، بصری و ادراکی، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش حضور، ماندگاری و تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی باشد (Gehl, 1987). در این چارچوب، کیفیت محیطی به عنوان مفهومی چندبعدی در نظر گرفته شده که شامل مؤلفه‌های عملکردی، زیبایی‌شناختی، ادراکی و زیست‌محیطی است (گلکار، ۱۳۸۰). این مؤلفه‌ها با قابلیت‌هایی چون دسترسی، خوانایی فضایی، تنوع عملکردی و غنای ادراکی در هم تنیده‌اند و مستقیماً با رفتار کاربران و میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها در ارتباط‌اند (Kytta et al., 2020 ; Evans, 2022).

بدین ترتیب، چارچوب نظری پژوهش بر این فرض اساسی استوار است که رفتارهای فضایی و اجتماعی کاربران، در تعامل با ساختار فضایی، خوانایی، قلمروپذیری و قابلیت‌های عملکردی فضا شکل می‌گیرد و ارتقاء کیفیت این مؤلفه‌ها می‌تواند به بهبود کنشگری اجتماعی و حس تعلق منجر شود (Salama, 2019 ; Beatley, 2020). این چارچوب مبنای تحلیل وضعیت موجود در عمارت ارثیه قزوین قرار گرفته و شاخص‌های منتخب بر اساس آن استخراج و در ارزیابی کیفی و رفتاری نمونه موردی به کار گرفته شده‌اند.

با توجه به رویکرد انسان‌محور در طراحی فضاهای عمومی، چارچوب نظری این پژوهش از تلاقی مفاهیم روانشناسی محیط، طراحی رفتاری و نظریات تعامل اجتماعی با محیط کالبدی شکل گرفته است. یکی از مفاهیم کلیدی در این راستا، «ادراک محیطی» است؛ انسان‌ها در مواجهه با فضاهای شهری، درک‌ها و تفسیرهایی متفاوت از کیفیت فضا دارند که این تفسیرها مبنای شکل‌گیری رفتارهای آنان خواهد بود. آلتمن (Altman, 1975) معتقد است که ادراک، زمینه‌ساز انتخاب‌های رفتاری است و رابطه‌ای تعاملی میان محیط و فرد برقرار می‌سازد که در آن، محیط نه صرفاً ظرف فیزیکی بلکه عنصری معنادار و پویاست.

این دیدگاه با نظریه «فضای فعالیت» هاویلاند و مفهوم «قرارگاه رفتاری» بارکر نیز هم‌راستا است؛ به این معنا که رفتار انسان در محیط، در قالب واحدهای معناداری از تعامل در زمان و مکان تعریف می‌شود (Barker, 1968؛ عباس‌زادگان، ۱۳۸۳). در این میان، مفاهیم «هم‌ساختی» و «الگوی جاری رفتار» در نظریه بارکر، نشان می‌دهد که چگونگی سازمان‌یافتگی عناصر کالبدی درون یک فضا می‌تواند احتمال بروز رفتار خاصی را افزایش دهد یا کاهش دهد و این همان جایی است که طراحی محیط به شکل مستقیم در رفتار اجتماعی مؤثر می‌گردد (Scott, 2005).

افزون بر این، تحلیل‌های نظری نشان می‌دهد که رابطه‌ای دوسویه میان «ساختار فضا» و «الگوهای فرهنگی و اجتماعی» وجود دارد. محیط به عنوان یک بستر اجتماعی، دربرگیرنده‌ی عناصر کالبدی، علائم بصری، دسترسی‌ها، مرزهای فضایی، تنوع عملکردی و انعطاف‌پذیری رفتاری است؛ عناصری که در کنار یکدیگر می‌توانند به تسهیل یا ممانعت از کنشگری اجتماعی و تعامل میان کاربران منجر شوند (Gehl, 2018; Liu et al., 2021).

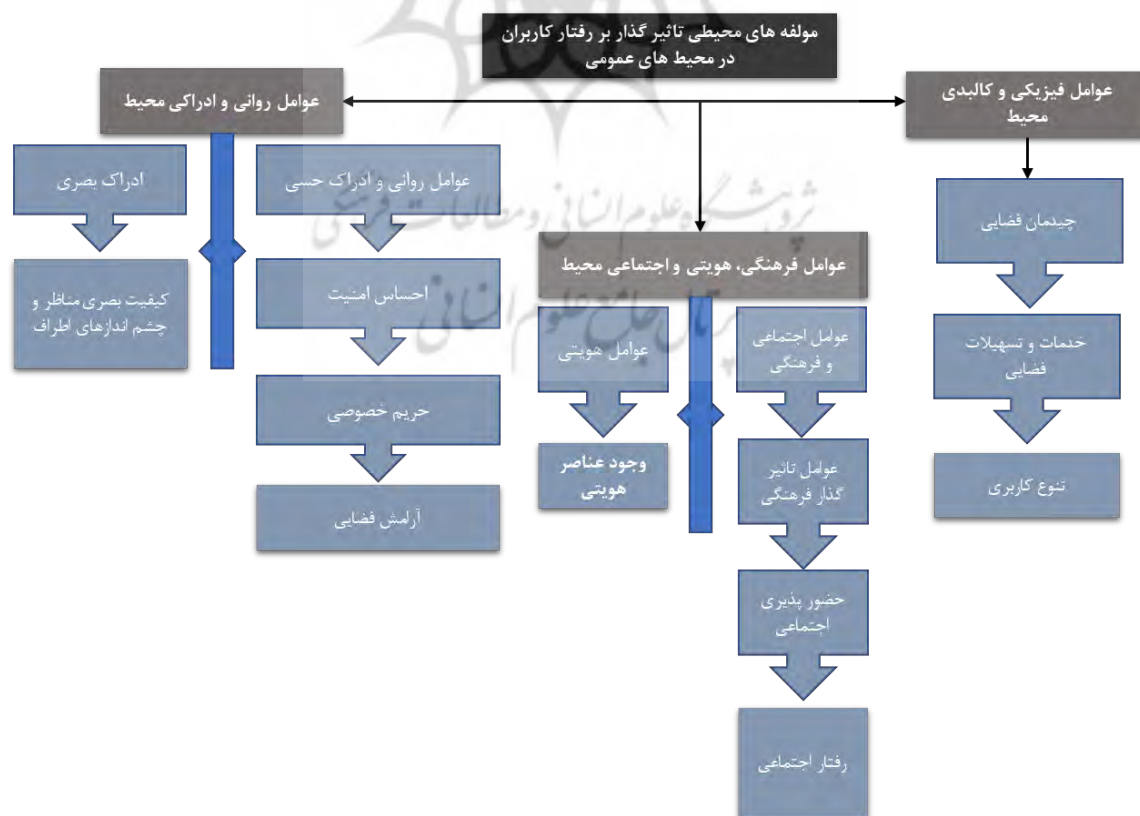
در پژوهش حاضر، الگوهای رفتاری بر اساس دسته‌بندی سه‌گانه فعالیت‌ها (ضروری، انتخابی و اجتماعی) مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. مطابق با نظریه یان گهل، هرچه کیفیت محیط ارتقاء یابد، فعالیت‌های اجتماعی که در بطن خود حامل ارزش‌های مشارکتی، گفت‌وگو، تعامل و تعلق‌اند، بیشتر در فضا بروز می‌یابند (Gehl, 1987). از این رو، طراحی داخلی فضاهای عمومی نیمه‌خصوصی همچون کافه‌ها و رستوران‌ها، زمانی موفق تلقی می‌شود که قادر باشد تنوعی از فعالیت‌های ارادی و تعاملی را در بستر فضایی مشخص، امکان‌پذیر

سازد. در تکمیل این منظومه مفهومی، مفهوم «قابلیت محیطی» که توسط گیسون و سپس در ادبیات طراحی محیطی توسعه یافت، نقش واسط میان محیط و رفتار را ایفا می‌کند. قابلیت‌ها، آن ویژگی‌های بالقوه‌ای از فضا هستند که امکان انجام رفتاری خاص را برای فرد مهیا می‌کنند (Evans, 2022). بدین معنا، هر فضایی بسته به فرم، ساختار، مصالح، نور، دید و عملکرد، ظرفیت‌هایی را برای رفتارهایی همچون مکث، تعامل، مشارکت، حرکت یا استراحت فراهم می‌آورد (Montgomery, 2020).

از سوی دیگر، مفهوم «کیفیت محیطی» به صورت ترکیبی از مؤلفه‌های کالبدی، ادراکی، عملکردی و زیباشناختی در نظر گرفته می‌شود (Beatley, 2020). به طور مشخص، دسترسی‌پذیری، انعطاف‌پذیری فضایی، خوانایی، ایمنی، انسجام بصری، مقیاس انسانی و تنوع عملکردی از جمله شاخص‌هایی هستند که در تقویت تعاملات انسانی و افزایش احساس حضورپذیری و مشارکت کاربران در فضاهای عمومی مؤثرند (Kytta et al., 2020 ; Kim & Kaplan, 2019). این شاخص‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با احساس تعلق، اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی کاربران در ارتباط هستند (Field, 2019).

از این منظر، فضای عمومی نه تنها بستری فیزیکی برای عبور و مرور، بلکه یک عرصه اجتماعی برای شکل‌گیری «زندگی میان ساختمان‌ها» است (Putnam, 2020). طراحی فضاهای عمومی با رویکرد رفتاری، زمانی معنادار می‌شود که بتواند از طریق تنظیم درست روابط فضایی، بازخورد ادراکی مناسبی به کاربران بدهد و امکان شکل‌گیری رفتارهای جمعی، تعاملات چهره‌به‌چهره و تجربه‌ی مشترک فضا را فراهم سازد (Salama, 2019).

بنابراین، چارچوب نظری این پژوهش مبتنی است بر دیدگاهی میان‌رشته‌ای که در آن، محیط کالبدی نه صرفاً یک ظرف بی‌جان، بلکه بستری پویا و معنادار تلقی می‌شود که از طریق طراحی آگاهانه می‌تواند در رفتار کاربران مداخله کند و مشارکت اجتماعی را ارتقاء بخشد. این چارچوب، با ترکیب مفاهیم کلیدی از روانشناسی محیط، نظریه‌های کیفیت زندگی، طراحی رفتارمحور و تعاملات اجتماعی، مبنایی برای تحلیل نمونه موردی پژوهش یعنی «عمارت ارثیه قزوین» فراهم آورده است.



نمودار (۵): مدل مفهومی تحقیق (نگارندگان)

۴-۲- بررسی مطالعه موردی

خانه‌ای تقریباً قدیمی و نیمه متروکه که به نظر متعلق به دوران پهلوی است، به دلیل ویژگی‌هایی مانند ویلایی بودن، فضای باز و سرپوشیده بزرگ و موقعیت عالی، توسط سرمایه‌گذار خریداری می‌شود. برنامه بازسازی و تبدیل آن به کافه و رستوران است. با این حال، طی بررسی اولیه اسناد ساختمان، تیم طراحی متوجه می‌شود که قدمت این سازه به اواخر دوره قاجاریه بازمی‌گردد و جوهر اصلی آن در زیر لایه‌هایی از تغییرات بعدی مدفون شده است.

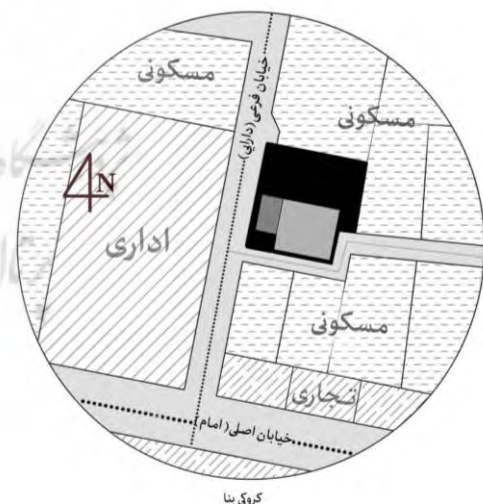
در نتیجه، تصمیم گرفته می‌شود که این لایه‌های بعدی که بسیاری از جزئیات و تزئینات ساختمان را پنهان کرده بودند، برداشته شود تا معماری اولیه ارزشمندی که برای حدود ۴۰ تا ۵۰ سال پنهان مانده بود، بازسازی شود. پس از حذف این اضافات و تکمیل‌های ثانویه، ساختار هسته ساختمان آشکار می‌شود و به سناریوی مرمت و نوسازی اجازه می‌دهد تا بر اساس شرایط اولیه آن باشد. یکی از راهبردها شامل تکمیل برخی از قسمت‌های ارزشمندی است که فقط بقایایی از آن باقی مانده است، از جمله هشتی ساختمان. بعلاوه، برخی از قسمت‌های دیگر که تخریب شده بودند یا در حالت فعلی خود به‌عنوان نمادهای نمادین حفظ می‌شدند یا مطابق با کاربرد جدید تغییر کاربری می‌دادند.

• وضعیت ساختمان قبل از بازسازی

خانه‌ای قدیمی و نیمه متروکه که در ابتدا تصور می‌شد مربوط به دوران پهلوی است، در چندین فاز نشانه‌هایی از تغییرات ناهمگون را به نمایش گذاشت. با بررسی بیشتر اسناد و سازه بنا مشخص شد که قدمت این خانه در واقع به اواخر دوره قاجاریه می‌رسد. بنا به دلایل نامعلوم، تصمیم گرفته شده بود که تغییرات اساسی در نمای ساختمان، چه در داخل و چه در خارج، ایجاد شود که در نتیجه بخش‌های بزرگی از سازه به مدت ۴۰ تا ۵۰ سال در زیر لایه‌ای از گچ مدفون بود.

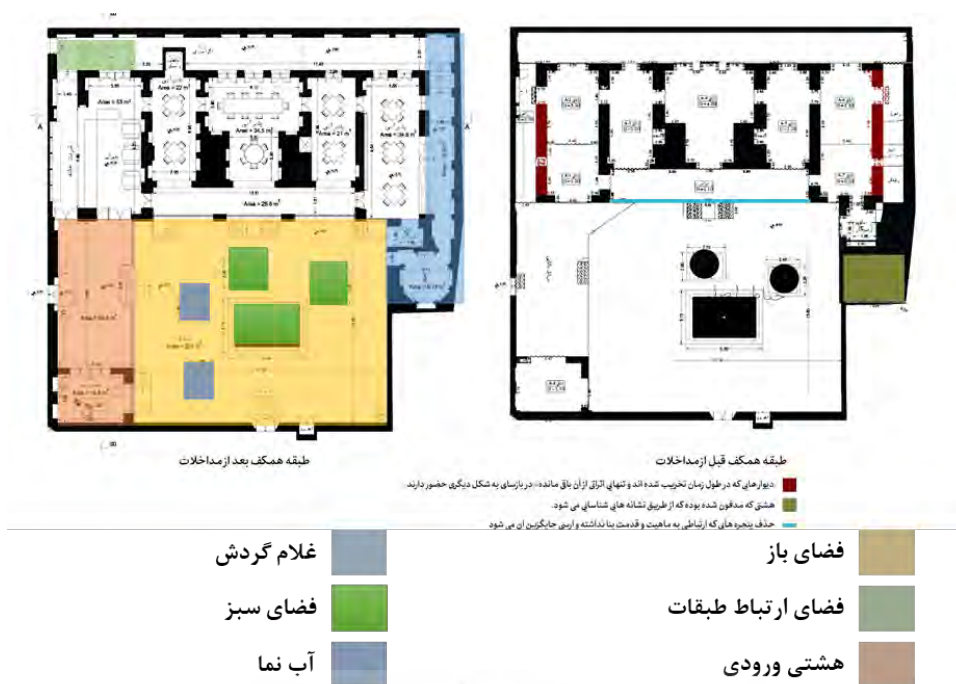


نزدیکی عمارت ارثیه به چندی از بناهای ارزشمند شهر را به نوعی این بازسازی اجازه می‌دهد که علاوه بر تعریف شدن یک فضای خدماتی با کیفیت، بنا خود را در امتداد دیگر بناهای ارزشمند و توریستی شهر قرار دهد.



کروکی بنا

شکل (۱): موقعیت کافه ارثیه در منطقه ۲ شهرداری قزوین (ترسیم نگارندگان)



شکل (۲): نقشه شناخت کالبدی عمارت ارثیه (طبقه همکف)

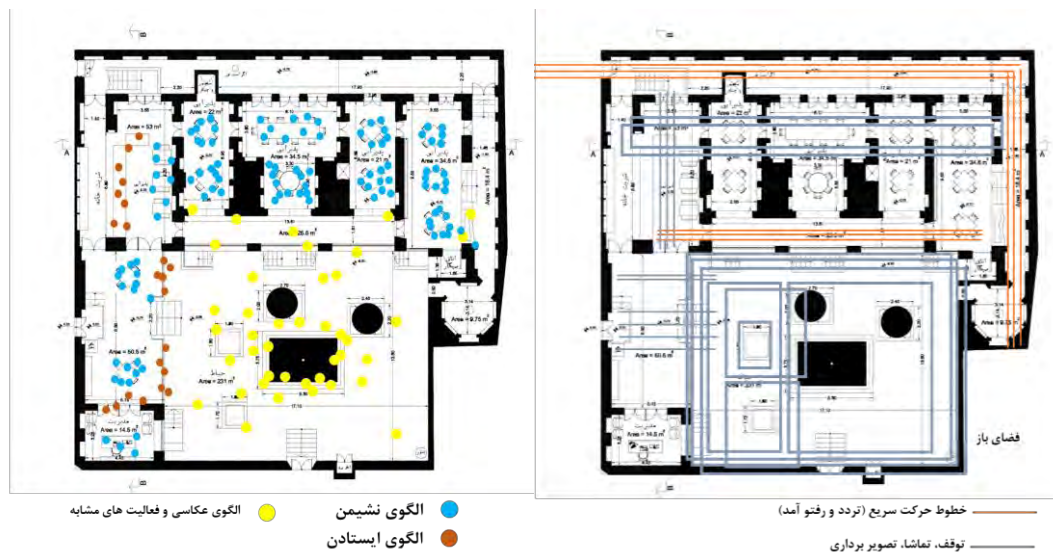


شکل (۳): نقشه شناخت کالبدی عمارت ارثیه (طبقه زیرزمین)



شکل (۴): تصاویر داخلی عمارت ارثیه (طبقه زیرزمین)

• تحلیل الگوهای رفتاری در عمارت ارثیه

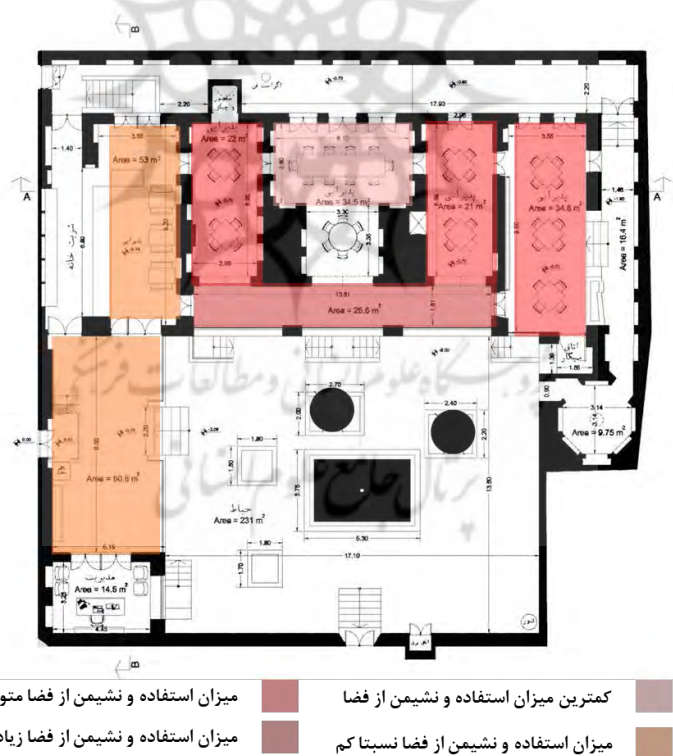


شکل (۵): نقشه سمت راست، حرکت و توقف در عمارت ارثیه، نقشه سمت چپ نشیمن و استفاده از فضا در عمارت ارثیه (ترسیم نگارندگان)

جدول (۴): نتایج حاصل شده حرکت و توقف بر اساس نوع فضا (نگارندگان)

نوع فضا	تصویر	نتایج استخراج شده بر اساس مشاهده میدانی و تحلیل محیطی
حیات		حیات عمارت دارای حوض، فضای سبز، درختان انار و سایر گیاهان است، در اطراف این فضاهای اصلی میز و صندلی چیده شده، همچنین سطح حیات پایین‌تر از سطح طبقه همکف بوده و دورتادور آن دارای ایوان‌هایی است که در آن‌ها میز و صندلی چیده شده و کاربران در آن مکان‌ها توقف دارند. همچنین حرکت در فضای حیات اغلب در آکس‌های ورود و خروج بوده و یا در پی عکاسی حول حوض‌ها و فضای سبز و درختان است.
ایوان غربی (بهارخواب)		این ایوان، در ضلع غربی عمارت به موازات خیابان دارای است، در آکس ورودی قرار دارد و سقف آن پوشیده از چادر است، در دو طرف آکس ورودی میز و صندلی چیده شده ولی به علت قرارگیری این بخش در مسیر تردد، افراد از نشیمن در این مکان چندان استقبال نمی‌نمایند.
ایوان شمالی		این ایوان منتهی به عمارت نیز همانند بهارخواب، دارای فضای نشیمن است، در فصول مناسب سال و در زمانی که شرایط جوی مساعد است؛ کاربران از نشیمن در این مکان استقبال می‌نمایند.
فضای داخلی (ضلع غربی روبروی شربت خانه)		این فضا مشرف به شربت خانه است؛ بنابراین به علت رفت‌وآمد و توقفات کوتاه در این بخش، کاربران در صورت عدم اجبار از این فضا استقبال نمی‌نمایند.

فضای ارسی که دارای شیشه‌های رنگی و ظاهری کاملاً ایرانی با تجلی رنگ‌های متعدد به‌ویژه در طول روز است، همچنین به علت قرارگیری مکانی کم تردد تر نسبت به سایر بخش‌های عمارت، از جایگاه و اهمیت بیشتری برخوردار است و کاربران عمدتاً از نشیمن در این مکان استقبال می‌نمایند. اکثر کاربران برای نشیمن و گذران اوقات فراغت از این بخش استفاده می‌نمایند (از سایر دلایل استقبال کاربران می‌توان به کم بودن تعداد صندلی‌ها بر سر هر میز اشاره نمود)		ارسی
این بخش از عمارت برای مراسمات و ایونت‌های خاص در نظر گرفته شده و در صورت برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای استفاده عموم تعبیه نگردیده است.		اتاق اشرافی
سایر قسمت‌های کافه تقریباً به یک اندازه مورد استقبال و تردد افراد قرار می‌گیرد، برخی از میز و صندلی‌ها ۲ نفره تا ۵ نفره می‌باشند، پسته به گروه‌های استفاده‌کنندگان میزان استفاده از میزها متغیر است.		سایر بخش‌های عمارت



شکل (۶): میزان حضور پذیری و استفاده از فضا (نگارندگان)

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مؤلفه‌های قابلیت‌های محیطی در طراحی داخلی فضاهای عمومی با تکیه بر مبانی رفتار اجتماعی انجام شد و به پرسش اصلی تحقیق یعنی «چگونگی تأثیر این مؤلفه‌ها بر تجربه و رفتار کاربران در فضاهای نیمه‌خصوصی» پاسخ داده

است. نتایج حاصل از تحلیل نمونه موردی (عمارت ارثیه قزوین) نشان می‌دهد که کیفیت طراحی داخلی نه تنها در شکل‌گیری رفتار فضایی کاربران مؤثر است، بلکه می‌تواند حضورپذیری، مشارکت اجتماعی و حس تعلق آنان به فضا را به شکل معناداری ارتقاء دهد. مشاهده مستقیم رفتار کاربران و تحلیل محیطی فضاها نشان داد که مؤلفه‌هایی چون خوانایی فضایی، ساختار کالبدی منسجم، تنوع عملکردی، چیدمان انعطاف‌پذیر، مقیاس انسانی و ادراک بصری مثبت، نقش تعیین‌کننده‌ای در جذب افراد، افزایش ماندگاری در فضا و تسهیل تعاملات اجتماعی دارند. فضاهایی که از قابلیت بالای انطباق‌پذیری با نیازهای کاربران برخوردار بودند، به‌ویژه در بُعد فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی، عملکرد مطلوب‌تری نسبت به سایر فضاها نشان دادند. در مقابل، فضاهای دارای انسداد دید، اختلال در دسترسی، یا تداخل عملکردی، عمدتاً برای عبور و توقف کوتاه مورد استفاده قرار گرفته و تعامل مؤثری را رقم نزدند.

پاسخ به پرسش اصلی تحقیق تأکید می‌کند که طراحی داخلی موفق در فضاهای عمومی نیازمند تلفیق دانش کالبدی با مبانی روان‌شناسی محیط و الگوهای رفتاری است. مؤلفه‌های قابلیت محیط زمانی در طراحی اثرگذار خواهند بود که فضا را نه صرفاً به‌عنوان ظرفی فیزیکی، بلکه به‌مثابه ساختاری اجتماعی و معنا ساز در نظر بگیریم؛ ساختاری که از طریق ادراکات کاربران، تجربه‌های فضایی و تعاملات انسانی معنا می‌یابد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برای ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی نیمه‌خصوصی همچون کافه‌ها و رستوران‌ها، ضروری است طراحی داخلی بر پایه تحلیل رفتار کاربران، ویژگی‌های کالبدی و الگوهای کنش‌پذیری اجتماعی استوار باشد. این رویکرد امکان آن را فراهم می‌آورد تا فضاهایی خلق شوند که نه تنها به نیازهای عملکردی پاسخ می‌دهند، بلکه بستری برای ارتقاء سرمایه اجتماعی، تعلق مکانی و پویایی شهری فراهم می‌سازند.

۶- منابع

- ۱- امامقلی، عقیل؛ آیوازیان، سیمون؛ زاده محمدی، علی؛ و اسلامی، سید غلام‌رضا (۱۳۹۱). روانشناسی محیطی عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری. علوم رفتاری، ۴(۱۴)، ۲۳-۴۳.
- ۲- بحرینی، سیدحسین (۱۳۹۴). تحلیل فضاهای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طراحی. ناشر: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- پاک‌نژاد، نوید؛ و لطیفی، غلام‌رضا (۱۳۹۷). تبیین و ارزیابی تأثیرات مؤلفه‌های محیطی بر شکل‌گیری الگوهای رفتاری در فضاهای شهری. باغ نظر، ۱۵(۶۹)، ۵۱-۶۶. doi:10.22034/bagh.2019.82313.۶۶-۵۱
- ۳- جوهری، فرخنده؛ پورجعفر، محمدرضا؛ مثنوی، محمدرضا؛ و رنجبر، احسان (۱۳۹۱). ارزیابی فضاهای واسط در ورودی شهرها بر اساس معیارهای کیفیت. آرمان شهر، ۵(۹)، ۱۸۷-۱۹۹.
- دلاکه، حسن؛ بهزادفر، مصطفی؛ قلعه‌نویی، محمود؛ و بختیاری نصرآبادی، آمنه (۱۳۹۶). بازشناسی الگوهای رفتاری در میدان انقلاب اصفهان. مطالعات محیطی هفت حصار، ۶(۲۱)، ۹۵-۱۱۱. doi:10.1001.1.23225602.1396.6.21.10.7.۱۱۱-۹۵
- ۴- راپاپورت، ایماس (۱۳۸۴). معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه از فرح حبیب، ناشر تهران: پردازش و برنامه‌ریزی.
- ۵- رسول‌پور، هژیر؛ اعتصام، ایرج؛ و طهماسبی، ارسلان (۱۳۹۷). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کیفیت محیطی بر الگوی رفتاری در فضاهای فیزیکی شهری (نمونه موردی خیابان ولی‌عصر تهران). مطالعات محیطی هفت حصار، ۷(۲۵)، ۱۹-۳۴. doi:10.1001.1.23225602.1397.7.25.4.6
- ۶- زرگر، کریم (۱۳۹۸). نقش فضاهای نیمه‌عمومی در تقویت تعاملات اجتماعی محله‌ای. پژوهشنامه معماری و شهرسازی، ۲۴(۱)، ۱۴۵-۱۶۰.

- ۷- زلفی‌گل، سجاده؛ و کریمی مشاور، مهرداد (۱۳۹۸). استخراج سازوکار ادراکی قرارگاه‌های رفتاری در فضاهای شهری با استفاده از پایش مکانی؛ نمونه موردی: میدان آرامگاه بوعلی سینای همدان. مطالعات شهری، ۸ (۳۰)، ۹۷-۱۰۸. doi:10.34785/J011.2019.179
- ۸- شاه‌چراغی، آزاده؛ و بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۶). محاط در محیط: کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی.. ناشر: سازمان جهاد دانشگاهی تهران
- ۹- شکیبامنش، امیر؛ و حکیمی، یاسمن (۱۳۹۶). بررسی تأثیر رؤیت‌پذیری فضای کالبدی بر رفتار عابران پیاده در میادین شهری با کمک تحلیل‌های مبتنی بر آیزویست سه‌بعدی. مطالعات شهری، ۷ (۲۵)، ۱۰۱-۱۱۵. doi:10.34785/J011.2018.027
- ۱۰- لطیفی، امین؛ و سجاذزاده، حسن (۱۳۹۳). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کیفیت محیطی بر الگوهای رفتاری در پارک‌های شهری. مطالعات شهری، ۳ (۱۱)، ۵-۲۰. doi:10.34785/J011.2018.027
- ۱۱- لنگ، جان (۱۳۹۵). آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه از علیرضا عینی‌فر، ناشر: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۲- مطلبی، قاسم (۱۳۸۰). روان‌شناسی محیطی؛ دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری. هنرهای زیبا، (۱۰)، ۵۲-۶۷.
- ۱۳- مک‌اندرو، تی‌مک‌اندرو (۱۳۸۷). روانشناسی محیطی، ترجمه از غلامرضا محمودی، تهران: زریاف اصل.
- ۱۴- نصیری، محمد (۱۳۹۹). تحلیل رابطه بین طراحی محیطی و حس تعلق اجتماعی در محلات شهری. مجله مطالعات شهری.
- 15- Barker, R. (1968). *Ecological psychology: Concept and method for studying the environment of human behavior*. Stanford, CA.
- 16- Beatley, T. (2020). *Biophilic cities: Integrating nature into urban design and planning*. Island Press.
- 17- Canter, D. (1986). Putting situations in their place: Foundations for a bridge between social and environmental psychology. In A. Furnham (Ed.), *Social behavior in context* (pp. xx-xx). London: Allyn & Bacon.
- 18- Evans, G. W. (2022). Environmental psychology: Principles and practice. *Annual Review of Psychology*, 73, 247-269. doi:10.1146/annurev-psych-010419-050846
- 19- Field, J. (2019). *Social capital*. Routledge.
- 20- Gehl, J. (1987). *Life between buildings: Using public space*. New York: Harcourt Brace.
- 21- Gehl, J. (2018). *Life between buildings: Using public space* (Revised ed.). Island Press.
- 22- Goffman, E. (1966). *Behavior in public places: Notes on the social organization of gatherings*. New York: Van Nostrand Reinhold Co.
- 23- Kim, J., & Kaplan, R. (2019). Physical and psychological factors in sense of community: New urbanist Kentlands and nearby Orchard Village. *Environment and Behavior*, 51(5), 521-545. doi:10.1177/0013916519853420
- 24- Kytä, M., Broberg, A., Tzoulas, T., & Snabb, K. (2020). Urban happiness: Context-sensitive study of the social sustainability of urban settings. *Sustainability*, 12(4), 1529. doi:10.3390/su12041529
- 25- Lewin, K. (1944). *Construct in psychology and psychological organization of gatherings*. New York: The Free Press.
- 26- Liu, Y., Ratti, C., & Jensen, M. (2021). Space and social interaction: Investigating how public spaces contribute to community cohesion. *Journal of Urban Design*, 26(1), 88-105. doi:10.1080/13574809.2020.1746468
- 27- Mersal Mahmoud, A. (2018). The impact of built environment on human behaviors. *International Journal of Environmental Science and Sustainable Development*, 3(1), 29-41.
- 28- Montgomery, C. (2020). *Happy city: Transforming our lives through urban design*. Farrar, Straus and Giroux.
- 29- Putnam, R. D. (2020). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.
- 30- Razavivand Fard, H. (2014). Evaluating spatial behavior in the urban public space of Kadıköy Square. In *2nd ICAUD International Conference* (pp. xx-xx).
- 31- Sakip, S. R. M., Othman, M. N., & Zainal, Z. (2021). The role of public spaces in enhancing community social capital: A systematic review. *Sustainability*, 13(7), 3791. doi:10.3390/su13073791
- 32- Salama, A. M. (2019). *Spatial design education: New directions for pedagogy in architecture and beyond*. Routledge.
- 33- Scott, M. (2005). A powerful theory and a paradox: Ecological psychologists after Barker. *Environment and Behavior*, 37(3), 295-329.
- 34- Shakibamanesh, A., & Ghorbanifar, M. (2018). Effects of urban spatial configurations and physical structures on pedestrians' perception of subjective duration. *Interaction Design and Architecture(s)*, (36), 95-117.
- 35- Wicker, A. (1979). *An introduction to ecological psychology*. [Publisher not specified].
- 36- Abusafieh, Sh., & Razem, M. (2017). Human behavior and environmental sustainability: Promoting a pro-environmental behavior by harnessing the social, psychological and physical influences of the built environment. *E3S Web of Conferences*, 23, 1-16. doi:10.1051/e3sconf/20172302003

Evaluation of Environmental Affordance Components in Interior Design of Public Spaces with Emphasis on Social Behavior Principles

(Case Study: Ersiyeh Mansion in Qazvin)

Fatemeh Hasanalizadeh¹, Hafezeh Pourdehghan^{2*}

1- M.A. Student, Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Fatemehha1994@gmail.com

2- Assistant Professor, Department of Architecture and Urban Planning, Faculty of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author)

Hafezeh.Dehghan@gmail.com

Abstract

Today, public and service-oriented spaces such as cafés and restaurants, beyond their functional role, serve as social platforms for interpersonal interactions and engagements. The quality of interior design in such spaces can directly influence users' perception, presence, participation, and social behavior. This study aims to evaluate the components of environmental affordances that affect the interior design of semi-public spaces, with an emphasis on social behavior principles. The case study is the historic Ersiyeh Mansion in Qazvin, which is currently used as a café and restaurant. The research method is mixed (quantitative–qualitative), and data collection was conducted through library research and field observations. Data analysis was based on indicators derived from theoretical foundations concerning environmental quality, spatial perception, and behavioral patterns. The findings indicate that spatial characteristics such as legibility, functional diversity, layout flexibility, human scale, and visual perception play a significant role in enhancing social interactions, sense of belonging, and users' active presence. Notably, spaces with appropriate spatial structure, clear boundaries, and multifunctional usability demonstrated the highest social performance. The results suggest that the interior design of public spaces should be grounded in a deep understanding of users' behavioral, social, and psychological needs. Utilizing behavioral patterns and environmental affordance analysis can play a key role in improving user experience quality and fostering social capital.

Keywords: Public spaces, interior design, social behavior, environmental affordances, social participation.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)